

الواح دیوانی و تشکیلات اداری و حکومتی داریوش بزرگ

از زبان داریوش (522-486 پ. م)

نویسنده: خاتم پرفسور هاید ماری کخ

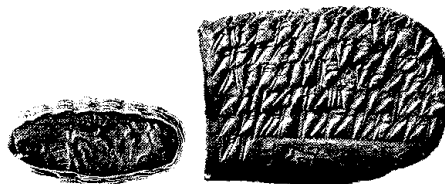
مترجم: دکتر پرویز رحیمی

" به خواست اهورامزدا، من چنینم که راستی را دوست دارم و از دروغ روی گردانم. دوست ندارم که ناتوانی از حق کشی در رنج باشد. همچنین دوست ندارم که به حقوق توانا به سبب کارهای ناتوان آسیب برسد. آن چه را که درست است من آن را دوست دارم. من دوست برده ی دروغ نیستم. من بدخشم نیستم. حتی وقتی خشم مرا می انگیزد آن را فرو مینشانم. من سخت بر هوس خود فرمانروا هستم". از سنگ نبشته های داریوش بزرگ.

در حفريات تخت جمشيد در سالهای 1933 - 1934 در حدود 30000 لوح گلی با متن هایی به خط میخی عیلامی بدست آمد. لوحه ها مربوط به سالهای 509 تا 494 یعنی 13 تا 28 سال فرمانفرمایی داریوش است. حدود 6000 لوح آن تقریباً سالم بود که حدود 2000 لوح تاکنون منتشر شده است (نک، هالوک، مهر PF). هالوک 1500 لوح را خوانده است که در تالیف فرهنگ عیلامی از آن استفاده کردیم.

این لوحه ها متعلق به بایگانی دیوانی داریوش بزرگ است. متن ها روی هم رفته کوتاه و حاوی مطالبی درباره ی درآمدها و مخارج ها است و در نگاه نخست چندان ارزشمند به نظر نمی رسد. برای نمونه نگاهی به متن لوح (PF798) بیاندازیم:

(BAN) (حدود 130 لیتر) جو، حواله امورته (Amavarta) به صورت جیره [به مرور] دریافت کرده است. امورته، سال 21 ماه شیباز (نهمین ماه عیلامی).

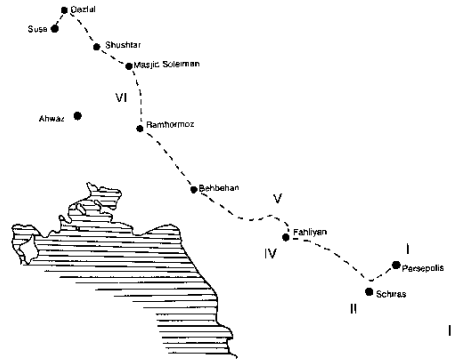


تصویر ۱۲. لوح دیوانی عیلامی از تخت جمشید

تاریخ این لوح های نوامبر/دسامبر سال 501 پ.م است. مهر شماره 186 به پشت لوح و مهر شماره 29 به کناره سمت چپ کار خورده است. با بررسی همه ی اسناد میتوان به این نتیجه رسید که مهر همه کارگزاران محلی در سمت چپ آمده و بالاخره این کار

اداره ی محصول طبقه بندی شده بوده است. بدین معنی که یک کارگزار مانند *امورته* مسئول غله، کارگزار دیگر مسئول میوه و دیگری مسئول شراب و دیگر مسئول چارپایان و تدارکات گوشت بوده.

وقتی به این ترتیب هزاران لوح دیوانی را که از تخت جمشید بدست آمده بررسی میکنیم ناگهان هسته مرکزی و حکومتی شاهنشاهی بزرگ ایران آکنده از زندگی میشود. از صدها آبادی نام برده میشود که اغلب موقعیت جغرافیایی آن - دست کم به تقریب - روشن میشود. اگر طول و عرض جغرافیایی آبادیها معلوم نیست، جای آنها در یک شبکه اداری - اقتصادی متراکم مشخص است. کارمندان دارای نام و سمت میشوند و وظایف شان مشخص است و به همین ترتیب بسیاری از سوالها در ارتباط با زندگی روزمره به پاسخ میرسند.



تصویر ۲۲. مرقمبند شش حوزه ی دیوانی در مسیر راه تخت جمشید به شوش

بنا به شواهد هر عضو دربار شاهنشاهی هخامنشی که به نحوی در سازمان اداری مسئولیتی داشت، دارای مهر مخصوص خود بود. گاهی مهری این چنین گم میشد. برای **فرنگه** بلند پایه ترین مقام تخت جمشید که ما رئیس تشریفات داریوش بزرگ میخوانیم چنین اتفاقی افتاد. پس همه کارمندان درباری مهر فرنگه را با نام او به خط آرامی مشخص کردند. وقتی این مهر گم شد کارمندان ناگزیر بودند تا خودشان را به مهر جدید عادت دهند. از این رو فرنگه به آنها **بخشنامه** کرد که: "**مهری که پیش از این از آن من بود کم شد. اکنون مهری که بر این لوح است مهر من است.**" (PF 67/68)

هر مسئولی که دریافت کننده جیره بود موظف بود که بر سه لوح مهر خود را بزند یک نسخه برای بایگانی محلی، یک نسخه برای بایگانی مرکز بخش و سومی مستقیماً به مرکز در تخت جمشید فرستاده میشد. این لوحه ها نخست در تخت جمشید کنترل شده، سپس بایگانی میشدند.

اما نظام کنترل شاهنشاهی هخامنشی تنها در جمع آوری و بایگانی یکبارک این سندها خلاصه نمیشد. هر دو ماه و هر سال یکبار بایستی گزارش از عملکرد همه حوزه ها تهیه میکردند. درستی این ترازنامه را سه کارمند تصدیق میکردند که نخستین آنها مسئول بخش مربوطه در آبادی بوده است. مثلاً وقتی حساب رسی غله انجام میشد، اول مسئول مربوط که رئیس کل انبار نامیده میشد، و پس از آن مقام دوم همیشه یک "آتش ریز" است، این مقام مقام رسمی روحانی محل است که از سوی حکومت برای انجام مراسم آیین های دولتی تعیین میشد. او هم بایستی همزمان، امور اداری را کنترل میکرد و با مهر خود مسئولیت صحت صدور سند را به عهده میگرفت. مقام سوم نگهبان انبار نامیده شده است. در کنار اینها یک حساب رس ویژه نیز وجود داشت. این حساب رسها مسئولیت حساب رسبهای یک حوزه را به عهده داشتند.

ندرتاً در پایان ترازنامه های سالانه به نام این حساب رسان اشاره میشود. مثلاً: این حساب رسی را برای سال 18 و 19 **مسبکه (Masika)** در سال 19 به انجام رسانده است (PF, 1984). وقتی که مسبکه به خاطر کار زیاد توانسته است شخصا همه ی موارد را کنترل کند، این قدر احتیاط کار و زیرک بوده است که این ناتوانی را عیناً به روی لوح میاورد. مثلاً نوشته است: "**ذخیره ی نگهبانان انبار را در مکنه (Makna) خودم ندیدم. حساب رسی را بر اساس گفته نگهبانان انجام دادم.**"

یا در جای دیگر مسبکه مینویسد: "**حساب رسی سال 22 را در ماه دوم سال 23 هو سه وه (Hussavah) کنترل کرده است.**"

در راس این حساب رسها، حساب رس کل منطقه قرار می گرفته که سمت کنترل حساب رسی های آن منطقه را بعهده داشته. در این میان سهل انگاری های کارمندان موجب اختراهای مکرر حساب رس کل میشد که برای نمونه **مرنتشانه (Mrntsānah)** حساب رس کل منطقه عیلام نوشته که چرا حساب درآمد از بابت بهره ی سال 19 میوه آبادی **زرشوتیش (Zrasvatis)** در ماه 6 سال 22 به دستش رسیده است (PF 2003). **به این ترتیب معلوم میشود که با نظام دیوانی فوق العاده دقیقی سر و کار داریم.**

مسئول شراب عنوانی مانند شراب دار یا شراب بر را داشت. این مقام اغلب مسئول میوه هم بود. در این میان به عنوان خاصی نیز شنبه میوه دار یا میوه بر برمیخوریم. ظاهراً وجود این مقام بستگی به آن داشت که در بخش مربوطه باغهای بزرگ میوه وجود داشته باشد یا این که به سبب کمبود اجباراً میوه از آبادیهای همسایه برای **مصرف کارگران** تهیه میشد.

بلندترین مقام نظام اداری

رئیس تشریفات : شاهنشاهی بزرگ ایران به ساتراپهای بزرگی تقسیم شده بود که در راس هر یک از آنها ساتراپی قرار داشت. اما سرزمین مرکزی ایران، یعنی پارس بدون ساتراب بود. براین بخش از شاهنشاهی، شخص شاه و بلندپایه ترین مقام پس از او که او را رئیس تشریفات مینامیم، مستقیماً حکومت می کردند.

قلمروی وظایف رئیس تشریفات بسیار گسترده بود. برای اینکه بتواند از عهده ی انجام تمام وظایف برآید منشی های متعدد داشت. علاوه بر تخت جمشید که سازمان دربار آن را زیر نظر داشت در دیگر نقاط پارس نیز منشی هایی برای او کار میکردند.

مسافر هایی که از ساتراپهای شاهنشاهی می آمدند همیشه گذرنامه ای از ساتراپ خود همراه داشتند. ظاهراً کارمندان حق صدور گذرنامه را نداشتند. در تخت جمشید معمولاً فرنگه، رئیس تشریفات داریوش بزرگ، مدارک مربوط به سفر را

صادر میکرد. جز شاه و رئیس تشریفات فقط معاون او(رئیس تشریفات) حق صدور مدارکی از این دست را داشتند.

تدارکات مسافرتهاى شاه، ذخیره مایحتاج شاه مانند انبار کردن جو در تخت جمشید و با نظارت بر پرورش و بژه ماکیان و با پروار بندی حیوانات جزو وظایف رئیس تشریفات بود. اصطیل شاهی نیز با همه مهرها، شترها، اسب ها و فاطرها زیر نظر رئیس تشریفات اداره میشد.

همواره گروهی از کارگران در سراسر اقلیم شاهنشاهی در رفت و آمد بودند. این هم زیر نظر رئیس تشریفات اداره میشد. یکی دیگر از وظایف فرنگه در مقام رئیس تشریفات نظارت عالی بر مالیات های و دریافت اجاره ها بود.

قائم مقام رئیس تشریفات

قائم مقام رئیس تشریفات دارای همه ی وظایفی بود که برای رئیس تشریفات برشمردیم. کارهای اداری متعددی که در تخت جمشید انجام میشد به خصوص در غیاب شاه و فرنگه همه بر عهده و زیر نظر **چیسسه وهوش(Cissavahus)** قائم مقام فرنگه بود. در غیبت شاه به ویژه هنگام سفر زمستانی شاه به شوش ترافیک منظمی از پیکهای سریع میان تخت جمشید و شوش برقرار میشد. به نظر میرسد که هرزگاه چیسسه وهوش شخصا به حضور شاه می رسیده است.

سازمان دربار

سازمان دربار شامل رئیس های سازمانهای گوناگون و منشی های متعدد بود. حالا به کمک این اسناد و دیگر سندهای موجود به روشنی میتوان ترتیب سمت اجرایی کارمندان دربار را ذکر کرد.

- رئیس تشریفات به منشی اختصاصی خود دستور انجام کاری را ابلاغ میکرد.
- منشی اختصاصی به سازمان دربار میرفت و به رئیس سازمان مطلبی را که باید نوشته شود را اطلاع میداد.
- رئیس سازمان یکی از منشی ها را احضار و او را مامور انجام دستور میکرد.
- منشی به کمک دستیارانش نوشته را با یک نسخه ی اضافی برای بایگانی و در چند مورد با متن بر روی پرگامنت(پوست حیوان) آماده میکرد.
- اگر منشی اختصاصی رئیس تشریفات به سبب کاری در محل حضور نداشت، رئیس تشریفات، رئیس سازمان دربار را نزد خود میخواند.

خزانه دار دربار

جدای از رئیس تشریفات و قائم مقام یکی دیگر از مدیران تخت جمشید خزانه دار دربار بوده است که از رئیس تشریفات دستور میگرفت. خزانه دار از نظر رتبه از قائم مقام رئیس تشریفات پایین تر بود.

خزانه های پارسی با مجموعه ابواب جمعی اش زیر نظر خزانه دار بوده است و انبوهی از جمعیت در این خزانه ها مشغول کار بوده اند، زیرا خزانه ها اشیا گرانبها را نه فقط جمع آوری و نگهداری بلکه تولید نیز میکردند. درباره ی نقره کاران، زرگران، نجاران میل ساز و میل پایان(تمیز کنندگان) و پیش از همه درباره خیاطان گزارش های متعددی داریم.

تعداد کارگران خزانه در خزانه های مختلف گوناگون است. مثلاً در خزانه شیراز 231 کارگر در آبادی پرویچه(Parvyaca) 527 و در ورتنوس(Vrantus) 544 و در خواده ایتنشیه(Xvadaitisaya) گروههای مختلف از 119, 259, 677, 494, 702 نفری نام برده میشود. در خود تخت جمشید در سال 467 (سال 19 **خشیایار شا**) 1348 کارگر خزانه نام برده شده.

خیاطی ها از دیگر بخشهای مهم خزانه ها بود. در این خیاطی ها لباسهای مشهور ایرانی دوخته میشد که در میان خلعت های شاهانه جای ویژه ای داشت. نویسندگان یونان نیز همواره از این لباسها در ردیف اشیاء گرانبها نام برده اند. در این خیاط خانه ها صدها

کارگران زن و مرد سرگرم کار بوده اند. **جالب اینکه سرپرستی همه ی کارگاه های تولیدی خزانه ها همیشه با یک زن است که بالاترین حقوق را در میان کارکنان این کارگاه ها دریافت میکند.**

در مرتبه بعد کاخ دار (Grdhapatis) بود که همپایه خزانه دار بود. کار اصلی او عزل و نصب و ترتیب دادن جیره ی کارگران و دارای حوزه نفوذی بسیار وسیع بود.

مقام بعدی در نظام دیوانی هخامنشی نمایندگان محلی دولت بودند. معاونین نمایندگی محلی کارمندان تهیه مواد بودند. مثلا به عناوین نظیر مدیر غله ها یا انبار دار، مدیر میوه، مدیر شراب، مدیر دامداری (سر گله) که تعداد زیادی چوپان در اختیار داشت. هر کدام از این مدیران معاونی داشتند و متصدیان انبارها را سرپرستی میکردند. کارگران نیز متناسب به کارشان گروه بندی میشوند و هر گروه سر کارگری داشت. در لوح های دیوانی به گروه های 100 کارگری و 10 کارگری برمیخوریم.

وضعیت دستمزدها

لوح های به دست آمده در تخت جمشید از نظام دستمزد ها در زمان داریوش اطلاعات جالبی به دست میدهد. طبقه بندی دستمزد ها بسیار غنی و از جهانی چنان مدرن است که گاه پیش رفته تر از امروز به نظر میرسد.

حقوق خدمتکاران و پادو ها، مهترها، کارگران خزانه، نخ ریسها، چوب کارها، نجارها، ظرفی کارها، زرگرها، روغن سازان، آب میوه گیران (شریت سازان) و پسر بچه های پارسی که از سنگ نبشته ها رو نبشته تهیه میکردند پایین ترین سطح حقوق بود.

همه کارگرانی که حداقل جیره را میگرفتند به عناوین و مباسبت های گوناگون **اضافه درآمد** داشتند. به طور منظم، شاید هر دو ماه یک بار **پاداش** داده میشد. به این پاداش ها باید جیره ی ویژه ای را که دیوان اداری به نام **کمک شاهانه** به کارگران میداد افزود. تقسیم این کمکها به عهده سرپرست ویژه ای بود که مفتش خوانده میشد.

علاوه بر این اضافه پرداختهای مشخص و همیشگی جیره ای وجود داشت که به آن **پیش کشی (ga-ma-kas)** میگفتند. مثلا زنان باردار 5 ماه تمام جیره ی ویژه ای میگرفتند. کارگران کارهای سنگین نیز جیره پیش کشی دریافت میکردند. در کنار نگهداران خزانه، بانوان خیاط، بانوان کارگر مزارع و کارگران نقاشی ساختمان، اغلب با کارگران خارجی نیز که جیره پیش کشی دریافت میکردند مواجه میشویم. مثلا از تراکیه ی ها، لیکپایی ها، کاپادوکیه ای ها و سغدی ها نام برده میشود.

برسیهای ما تاکنون مشخص کرده که جیره و اضافه پرداختهای مربوطه فقط شامل کارگران و خدمتگذاران ساده میشد که حداقل دریافتی را داشته اند. **ظاهرا در شاهنشاهی ایران همه میتوانستند با کسب مهارت میزان دریافتی های خود را بیشتر کنند.** از حقوق های متفاوت زنان گروه خیاطی میتوان نتیجه گرفت که بانوان خیاط در مراحل گوناگون از آموزش بوده اند. **اسناد دیگری هم نشان میدهد که مرد و زن برای کار واحد، کارهای هنری و بسیار ظرفی مزد برابر میگرفته اند.**

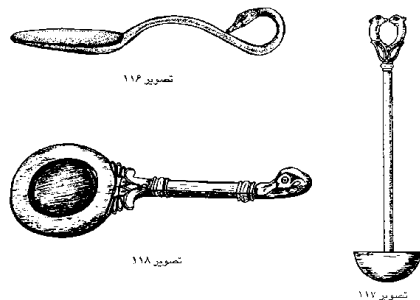
میزان حقوق ظرفی کاران و ظرفی تر شدن کار مثلا دوختن لباس ساده ظرفی و یا خیلی ظرفی و یا داشتن مهارت کافی یا نآموز بودن و در مورد زنان کار نیمه وقت و یا تمام وقت بر میزان حقوقها اثر میگذاشته است.

در جایی از زنی نام برده میشود و اصطلاح "به کوچو لویی زندگی بخشیده است" در موردش به کار برده شده. از این مطلب و میزان حقوق اش نتیجه میگیریم که شاید این زن در دوران مرخصی زایمان بوده و از این جهت حقوق کمتری گرفته که برای روشن شدن مطلب به نام شوهرش هم اشاره شده است. شاید سپردن کار به او را بتوان بخشی از کمکهای بعد از زایمان شمرد. به خصوص این که به این زن در بین کودکانی اشاره شده که هنوز زمان کار آنها نرسیده است. پس از مدتی او را مبینیم که مجددا مشغول به کار شده و نوزادش در حین کار مادر به وسیله له له های **مهه کودک** نگهداری میشود.

در لوحه های تخت جمشید بالاترین حقوق را بانوان سرپرست دریافت میکنند. سرپرست زن خزانه ی پسته نه 50 لیتر جو، 30 لیتر شراب در ماه میگرفت. پس از این سرپرست یک مرد با 40 لیتر جو و سه زن با 40 لیتر جو و 10 لیتر شراب قرار میگرفتند. جیره شراب پسران جوان از دیگران کمتر است. این تفاوت در مورد پسران جوان احتمالا گویای توجهی است که به آنها میشد. درباره جیره شراب بسیار کم پاسبانان یعنی نیم لیتر در ماه هم احتمالا بی ارتباط با شغلشان نیست. **مجموعا میتوان چنین برداشت کرد که نظام دیوانی هخامنشی میکوشید تا هر کس به اندازه کاری که انجام میداد مزد میگرفت.**

از آن جا که پرداخت حقوق به شکل جنس دشوار بود اندک اندک پرداخت نقره در مقابل یک سوم تا نیمی از حقوق متداول شد.

لوحی به زبان بابلی جدید از آغاز سده ی 5 پ. م. از 8 کارمند بلند پایه ی ایرانی گزارش میکند که برای انجام ماموریتی به بابل اعزام میشوند. آنها برای مخارج را نقره میگیرند تا خود مایحتاج شان را تهیه کنند. دقیقا تعیین شده که نقره دریافتی برای خرید چه چیزی بوده است. شراب، گوشت گوسفند، مربا، سبزی و ماهی. این خود نوع تغذیه این گروه از مردم را آشکار میکند. احتمالا هر خانواده ای برای خود باغچه یا زمینی داشته و بسیار محتمل است که پدر مورد نیاز برای کشت را نیز دریافت میکردند. اشارات زیادی در دست است که کارگران خود نیز صاحب احشام بوده اند. مثلا از تحویل بزغاله هایی صحبت میشود که بایستی در خانه پرورانده شوند. در صورت کافی نبودن مرتع برای تغذیه ی بز و گوسفند و ماکیان از طرف دستگاه اداری به کارمندان **جیره علوفه** داده میشد. به این ترتیب پرورش حیوانات در چهار چوبی معین بخشی از مخارج کارگران را تامین می کرد. همچنین در برخی نقاط به کارگران ناهار میدادند مثلا در خزانه ها آشپزهای زن برای نهار کارگران **غذای عمومی** می پختند. بنابراین غذای روزانه را هم باید به میزان حقوق افزود.



تصویر ۱۱۶ - قاشق نقره‌ای که انتهای دسته‌ی آن سر یک مرغابی است. پاسارگاد، تصویر ۱۱۷ - ملاقه‌ای برنزی، که زمانی در اختیار کرافن مولنکه بود. تصویر ۱۱۸ - تابه‌ی گندز دوره‌ی آخ‌امنی

با اسنادی که امروز در دست است پی بردن به میزان واقعی درآمد در زمان هخامنشیان کار بسیار دشواری است. با این همه مسلم است که حقوق و جیره طبقه بندی شده بود و هر کس به نسبت مهارت و میزان کار حقوق دریافت میکرد. کوشش میشد تا به عناوین مختلف دریافت کنندگان حداقل دستمزد با اضافه پرداخت‌هایی تامین شوند. به همین دلیل حداقل حقوق از آن چه در بین‌النهرین پیش از هخامنشیان پرداخت میشد و جیره آنها فقط 20 لیتر جو بود بالاتر است، یعنی 30 لیتر جو. در زمان داریوش کمکه‌های پراکنده دولتی را نیز باید بر حقوق کارگران و کارکنان افزود. این کمکه‌ها شامل کارگرانی میشد که شرایط کاری فوق‌العاده سختی داشتند و یا به دلیلی دیگر مستحق دریافت پاداش بودند و هم شامل حال زنانی که وضع حمل کرده بودند. حقوق زن و مرد برای کار یکسان برابر بود. زنان میتوانستند ساعات کار کمتر و یا به عبارت دیگر کار نیمه وقت بردارند. محیط کاری زن و مرد یکی بود و امکانات کارآموزی و ارتقای شغلی برای هر دو یکسان فراهم میشد. **در میان اسناد موجود تعداد مدیران و سرپرستان زن کم نیست.**

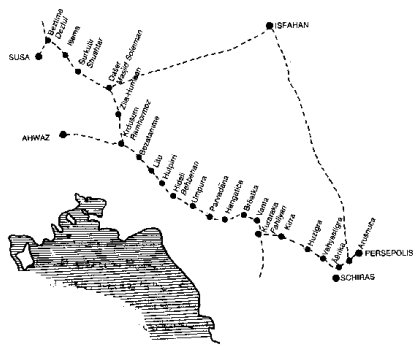
در کارگاه‌های شاهی خزانه‌ها، صدها بانوی خیاط نه فقط لباسهای پر زرق و برق برای خلعت دادن شاه می دوختند بلکه به استناد لیستهای حقوقی لباسهای کاملا معمولی نیز در این کارگاه‌ها دوخته میشده است که به احتمال زیاد مورد مصرف کارگران و کارکنان بوده است.

در شاهنشاهی بزرگ ایران در کنار مردی که در خدمت دولت بود بی شمار پیشه‌وران و **بازرگانان آزاد** و همچنین کشاورزان و مالکین بزرگ نیز قرار داشتند که به سهم خود از مزدگیران و خدمتکاران خاص استفاده میکردند. مثلا در جایی از خیاطی مستقل صحبت میشود که لباسهای تولیدی خود را به خزانه تحویل داده و برای هر دست لباس 10 لیتر جو گرفته است.

در بررسی اسناد موجود در مورد اخذ مالیاتهای سراسری به نام زنهایی نیز برمیخوریم که لابد صاحب گله یا ملک شخصی بوده اند. ظاهرا چه در حوزه‌های مالیاتی و چه در تخت جمشید فهرست و رونوشتی از دارایی‌های شخص مشمول مالیات وجود داشته. در سندی از جیره کارمندی صحبت میشود که در حال سفر برای **شمارش مردم** است. از این جا معلوم میشود که **سیستم سرشماری** معمول بوده و قطعا در کنار آن آمارگیری از مالکیت و اموال نیز وجود داشته که اساس تعیین مالیات قرار میگرفته است.

تاسیسات

به گزارش دیودوروس (کتاب 10، بند 21) تراکم جمعیت در پارس بسیار بوده. در لوح‌های دیوانی به دست آمده از تخت جمشید نام حدود 400 آبادی ثبت شده است. مسیر جاده‌ی پستی میان تخت جمشید و شوش برای بازیابی محل تقریبی آبادی‌ها در لوح‌ها کمک شایانی است. این راهها مانند شاهرگی پارس را به دیگر نقاط متصل میکردند. در کنار این راهها چاپارخانه‌هایی فرا داشت که ترتیب فرا گرفتن چاپارخانه‌ها را میتوان به کمک لوح‌ها به خوبی معین کرد. از تخت جمشید به شوش 22 چاپارخانه به فاصله 24 کیلومتری وجود داشته است.



تصویری ۲۵ جاده‌ی پستری تخت جمشید به شوش با ایستگاه‌های سر راه

در پاسارگاد و در تخت جمشید از برج و بارو خبری نیست. ظاهراً داریوش با سربازان و دیوان اداری اش آن چنان بر شاهنشاهی بزرگ خود مسلط بوده که ساکنان این شهرها را هراسی از حمله دشمن نبوده. از کثرت رفت و آمد در راه‌ها هم به میزان این امنیت پی می‌بریم. راه‌ها نگرهبانانی داشت که مسئول نظم و آرامش و حفاظت از جاده بودند. شهرها گرچه برج و بارو نداشت ولی از تاسیسات دیوانی معینی محافظت میشدند. **ما با شگفتی میبینیم که دو مرد با ۸ خدمتگذار همراه بدون محافظ، خزانه‌ی بابل یعنی خراج بابل را به تخت جمشید حمل کرده‌اند.**

خانم هایده ماری کخ در سالهای شکوفایی بی نظیر ایرانشناسی دهه‌ی چهل میلادی در آلمان متولد شد و در سالهای افول ایرانشناسی دهه‌ی نود با انتشار کتاب "از زبان داریوش" یک بار دیگر ایرانشناسی (به مفهوم قدیم) در حال انقراض آلمان جانی تازه بخشید. خانم پرفسور کخ نخستین مرحله تحصیلات دانشگاهی خود را با دریافت درجه‌ی فوق لیسانس ریاضی گذراند و شاید اگر به تصادف و به سبب شغل همسر باستان شناس خود با پرفسور والتر هینتس، ایرانشناس آلمان، آشنا نمی‌شد، هرگز به تاریخ و فرهنگ ایران روی نمی‌آورد. او نیز مانند یگران با نخستین برخورد خود با هینتس شیفته‌ی رفتار دانشمند وارسته شد و به قول خودش این شیفتگی چنان ژرف بود که بی‌درنگ تحصیل در رشته‌ی ایرانشناسی را آغاز کرد. خانم کخ پس از دریافت درجه دکتری بلافاصله پارخستگی ناپذیر او در تالیف عظیم فرهنگ ایلامی - آلمانی شد و سرانجام در تاریخ ۱۹۸۴ با رساله "امور دیوانی و اقتصادی فارس در زمان هخامنشیان" به دریافت مقام پرفسوری نایل شد. فرهنگ ایلامی در سال ۱۹۸۶ و دو سال بعد، در سال ۱۹۸۸، رساله پرفسوری خانم کخ منتشر شد. تمامی کارهای علمی خانم کخ درباره‌ی فارس و تخت جمشید و امور اجتماعی ایران زمان هخامنشیان، بر اساس الواح گلی خزانه‌ی تخت جمشید است، که در ده‌ها مقاله و چندین کتاب، از جمله کتاب ماندگار و کم نظیر حاضر، منتشر است.

دکتر پرویز رحیمی، مترجم این کتاب، متولد ۱۳۱۸، دیگر شاگرد مرحوم پرفسور والتر هینتس، که حدود ۱۰ سال پیش از خانم کخ رسماً از محضر استاد با اخذ درجه دکترا مرخص شده، اما تا واپسین روزهای زندگی پر برکات اش، زانو به زانو، از او درس گرفته است.

<http://www.denaboy.persianblog.ir>

وبلاگ کرانه گمنام

<http://www.et4ir.blogfa.com>

وبلاگ آموزش های کاربردی

<http://denaboy.parsaspace.com>

وبسایت فرزند دنا

مدیر سایت و وبلاگ ها : فرید نیک اقبالی